

میم

حرف مشترک من و ما!

ماهنامه خبری-تحلیلی مجموعه آموزشی، پژوهشی و گفتمانی منویات
.....
سال اول پیش شماره ۱۲ خرداد ۱۳۹۸

یادداشت؛ ما و دولت اسلامی

یازده سال از خاتمۀ جنگ تحمیلی گذشته بود، حالا زعامت آیت الله خامنه‌ای نیز یازده‌ساله شده‌بود که ایشان پرده از مسیر پیش‌روی حرکت انقلاب برداشتند و با ارائه یک سیر منطقی که تمام اهداف انقلاب را پوشش می‌داد، از زنجیرۀ تمدنی انقلاب اسلامی رونمایی نمودند...

۲

یادداشت؛ سکانس پایانی

به نام خدا و به یاد مبارزان حقیقی...

۲

یادداشت؛ موضع تسامحاً غیرتمدنی آقای معاون وزیر

سپتامبر ۲۰۰۱ صدای مهیبی قلب منهن را به لرزه درآورد و پروژه‌ای که کدهایش از چندسال قبل در رسانه‌ها منعکس شده‌بود، رسماً کلید خورد. موقعیت استراتژیک افغانستان اشتباهی ایالات متحده را باز کرده‌بود...

۳

یادداشت؛ مشاهیر بی‌شهرت

چند روز پیش، وقتی در کلاس «تفکر و سبک زندگی» هشتمی‌ها، به بخشی از درس رسیدیم که نام برخی از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته را به عنوان نمونه‌هایی از انسان‌های دارای اعتماد به نفس ذکر کرده بود...

۴



یادداشتی از سید رضا رودکی؛ دانشگاه علوم قرآنی تهران

جنگ اقتصادی؛ جنگی نیمه سخت

شامل عرصه سیاسی، فرهنگی نظامی و اقتصادی است. جریان سلطه بر اقتصاد سوار شده و سعی بر تحمیل اراده‌ی خویش بر انقلاب اسلامی که میراث به جای مانده‌ی رسول اکرم -صلی‌الله علیه و آله وسلم- است دارد. در این شرایط راه حل چیست؟ ابتدا وظیفه‌ی مهم را از دولت شروع می‌کنیم. برای مقابله با این اتفاق باید کابینه‌ی ضد جنگ تشکیل می‌شد؛ کابینه‌ای متشکل از رییس سازمان برنامه و بودجه، وزیر اقتصاد، معاون رییس جمهور و دیگر افرادی که تأثیرگذار در امر اقتصادی هستند که متأسفانه هیچ برنامه‌ای از سوی دولت دیده نشد. مرحله‌ی اصلی و مهم دیگر این مقابله از سوی ما باید با کنار گذاشتن دلار از مبادلات اقتصادی همراه شود زیرا جنگ ارزی یا همان (Currency war)، جنگ بر سر ارزش پول‌هاست و پول معیار سنجش ارزیدن کالاهاست. در این جنگ، تنها راه مقاوم کردن اقتصاد یک کشور، حذف نقطه ضعف است و مقاوم کردن پول آن که واحد اندازه گیری این سیستم است. وقتی واحد اندازه‌گیری، آن قدر بی ثبات باشد، بدون شک کل دستگاه اقتصادی، متزلزل و لرزان خواهد بود.

مقاوم‌سازی پول ملی در برابر حملات شامل فرآیندی است که اولین گام آن، حذف نقاط ضعف است. اولین نقطه ضعف ریال و اقتصاد ایران، وابستگی به دلار است. با توجه به این نکته، دلار رکن اصلی قدرت آمریکا و مهم‌ترین ابزار در «جنگ ارزی» است. پدافند این جنگ را باید با اصول دلارزدایی دنبال کنیم که به گفته‌ی رهبری راه حل، از بین بردن آقایی دلار است که ابتدا کشور می‌تواند با عقد پیمان دوجانبه بین کشورهایی نظیر هند،

روسیه، یا حتی عراق به مبادلات اقتصادی با واحد پول خود دو کشور بپردازد که خود این امر تأثیر خوبی بر بازار ایران و کاهش قیمت‌ها خواهد داشت و می‌تواند شروعی برای حذف دلار از مبادلات باشد. مسئله‌ی دیگر تقویت اقتصاد کشور و استفاده از نخبگان و نیروهای تازه‌نفس و فعال در این حوزه در موضوع تولید می‌باشد که از همه چیز مهم‌تر و اصلی‌تر است. تولید در دنیای اقتصاد حکم ستون فقرات را دارد. وقتی بازار وارداتی و مصرفی کشور را به سمت بازار تولیدی حرکت دهیم، بعد از تأمین نیاز داخل توان صادرات هم پیدا می‌کنیم و با تکیه بر توان داخلی و اعتماد به ظرفیت‌های درونی جلوگیری از قاچاق و هدر رفتن منابع کشور را دنبال کرده‌ایم. در این صورت اقتصادی قوی و با هویت پیدا خواهیم کرد که با هیچ حمله و مقابله‌ای توان شکستن و تخریب آن را پیدا نمی‌کنند. حتی جرأت تهدید آن را نیز در سر نمی‌پروراند بلکه مجبور به مبادلات و ارتباط اقتصادی با ایران می‌شوند. چراکه باعث وابستگی سایر ملل به خود شده‌ایم و این نشان‌دهنده‌ی این است که هویت اقتصادی مستقل پیدا کرده‌ایم. شهید آوینی با نگاهی فراتر و دقیق‌تر به این جنگ این گونه بیان می‌کند که: شکست ما آن جاست که اقتصاد بتواند بر سایر وجوه زندگی ما غلبه پیدا کند و اگر چنین نبود و دشمن بر این حقیقت وقوف نداشت، بدون شک همه‌ی تلاش خود را در این جهت تمرکز نمی‌بخشید.

جنگ نفت و حملات سازمان‌یافته‌ی دشمن به مراکز صنعتی ما نشان‌دهنده‌ی همین واقعیت است که استکبار جهانی می‌خواهد با تحمیل فشارهای تحمل‌ناپذیر اقتصادی، ما را وادار کند که از اعتقاداتمان صرف نظر کنیم. آن‌ها می‌خواهند با اقتصاد بر اعتقاد ما غلبه کنند، و انصافاً در دنیای امروز، اگر هم راهی برای غلبه بر ایمان و اعتقاد وجود داشته باشد، همین است و لا غیر...

بشنوید:
جنگ واقعی



«هزاران انسان فداکار و آگاه، با درک صحیح از موقعیت و شناخت نیاز زمان، در عملیات پیچیده بیت‌المقدس شرکت کردند که نتیجه آن شکل‌گیری حماسه تاریخی و ماندگار فتح خرمشهر بود»
این شماره تقدیم می‌شود به شهید سید محمدعلی جهان‌آرا و تمام شهدای مقاومت و آزادسازی خرمشهر
تاریخ شهادت: ۱۷م مهرماه ۱۳۶۰ محل شهادت: منطقه کهریزک تهران به دنبال سقوط هواپیما

یادداشت | ۳

موضع تسامحاً غیر تمدنی آقای معاون وزیر

یادداشت | ۴

انتقاد از ولی فقیه

یادداشت | ۲

سکانس پایانی

یادداشت | ۴

مشاهیر بی‌شهرت

یادداشت | ۲

ما و جامعه اسلامی

یادداشت | ۳

جستاری در باب سودمندی مطالعه

یادداشت | ۱

جنگ اقتصادی؛ جنگی نیمه‌سخت

یادداشت | ۳

چاره‌اندیشی برای صدرنشینی بیانیه گام دوم

یادداشتی از سعید شفیعی؛

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

ما و دولت اسلامی

نگاه فعال به مسیر پنج‌گانه جمهوری اسلامی (بخش سوم)

یازده سال از خاتمه جنگ تحمیلی گذشته بود، حالا زعامت آیت‌الله خامنه‌ای نیز یازده‌ساله شده‌بود که ایشان پرده از مسیر پیش‌روی حرکت انقلاب برداشتند و با ارائه یک سیر منطقی که تمام اهداف انقلاب را پوشش می‌داد، از زنجیره تمدنی انقلاب اسلامی رونمایی نمودند.

این اقدام به معنای تغییر رویکرد در نگاه به انقلاب و تعریف یک مسیر جدید برای پیش‌رفت انقلاب نبود بلکه نسق بخشیدن به مراحل حرکتی بود که از پیش عالمانه آغاز شده، مجاهدانه تداوم یافته و در سنگلاخ دولت‌سازی نیاز به بازخوانی، بازنگری و افق‌نمایی داشت. طیف مختلفی از پیروان افکار انقلاب‌کنندگان - که در بخش اول این نوشتار (ما و انقلاب اسلامی) به آن اشاره‌شد - با نیل به حاکمیت در دستگاه اجرایی کشور، موجد رویکردهای متفاوتی در اداره کشور شدند. تا اینکه با گسست اجتماع مؤمن از بدنه اقلیت حاکم، بذر نامبارک شکاف میان مردم و مسئولین را کاشتند. اقلیتی که به وسیله یک خوانش انقباضی از تحزب، راه ورود مستضعفین به عرصه نقش‌آفرینی حاکمیتی در جمهوری اسلامی را مسدود نموده بودند.

روحیه آرمان‌خواهی که از چشمه جوشان اراده ملت رود پرخروش انقلاب‌سازی و نظام‌سازی را به وجود آورده‌بود با گسسته‌شدن از بدنه حکمرانان اجرایی کشور یا خشکید یا به مرداب‌های بی‌ثمری هدایت شد. مردم به سمت انفعال شبه انقلابی و مسئولین به حاکمیت انفعالی کشیده‌شدند. بنابراین مردم که اصل حرکت جمهوری اسلامی بودند پس از سامان یافتن نظام اسلامی و دفع شر جنگ تحمیلی به زندگی سابق خود بازگشتند و آرمان‌هاشان را پشت قاب‌هایی با عکس امام که روی طاقچه‌هایشان بود، پنهان

یادداشتی از فاطمه صادقی؛

دانشگاه تهران

سکانس پایانی

در عصر حاضر، عصری که توجه خاصی به آزادی و پیشرفت و تکنولوژی و شکوفایی علم و تمدن می‌شود، مسئله‌ای به نام «حجاب» مانند سدی محکم جلوی حرکت سریع به سمت پیشرفت و آزادی ایستاده است؛ تا آن‌جا که این مسئله، گاه و بی‌گاه گریبان‌گیر دانشجو - با همه دغدغه‌های علمی و آموزشی که دارد- می‌شود طوری‌که انگار رهایی از دست آن افزایش بهره‌وری در علم و باورها و خواسته‌هایش را دربردارد.

دانشجو - با همان روح حقیقت‌طلبی‌اش- حجاب را خوب می‌شناسد؛ حجاب همان دست‌آوردی است که نه‌تنها اعتمادبه‌نفسش را در مجامع علمی پایین می‌آورد بلکه او

لازمه تشکیل دولت اسلامی

مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با هوایها و شرایطی که منطبق به یاد مسؤل دولت اسلامی است، تطبیق کنند با چنان افرادی اگر هستند. سرکار یار پیدا یا اگر ناکند، خودشان را به سمت کمال بر آن جهت حرکت دهند و پیش بیزند.

بایدها

- سلامت اعتقادی و اخلاقی
- سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد
- کار جهادی
- قانون گرایی
- شجاعت
- حکمت و خرد گرایی
- مواجهه با نظام سلطه جهانی
- عدالت

زنجیره تمدن اسلامی

اگر این اعتقادها پیدا شد، حرکت بیست و دو و پوردهین که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار لکت می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد.

دولت اسلامی واقعی

کارگران نظام اسلامی باید جهنگی‌ها و رفتارشان را با همیاری اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به اهداف برسند. این می‌شود دولت اسلامی البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد، آن‌جا که اله ولی ما به قدر توان و تلاشمان می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم.

رای مشارکت می‌دهد اما دیدگاه دوم مردم را پیش‌ران دولت‌سازی می‌داند.

سال‌هاست که به محض طرح بحث دولت اسلامی، مردم و حتی نخبگان یک گام به عقب برمی‌دارند و این مرحله را خارج از ابعاد تکالیف خود می‌دانند اما باید دانست که پژواک دیدگاه اول و نگاه پدیده‌ای صرف به انقلاب در گوش‌های مردم و نخبگان پیچیده‌است. این در حالی‌ست که تحقق (نه انتخاب) دولت‌اسلامی با خوانشی صحیح، موسّع و تجزیه‌شده اساساً بر عهده مردم است اما رگه‌های فکری سکولاریسم که در ذهن اجتماع اسلامی رسوخ کرده، مانع از این شده‌است که افاضه خورشیدی انقلابی‌گری در لایه حکومت اسلامی مردمی محقق گردد.

ما باید قبول کنیم «چهره شهر با زنان زیباتر می‌شود» زیرا زنان زیبایی‌هایی دارند که همه، اعم از مردان، آن را پذیرفته و قبول دارند، زیبایی‌هایی که با چشم و گوش و حتی با حس لامسه می‌توان از آن بهره جست. البته قرار نیست این بهره‌وری به زنا که امری نکوهش‌شده در دیدگاه انسانیت است ختم شود. در ظاهر با بهره‌برداری مردان از این زیبایی، روح تأییدیه‌خواه زنان جامعه اقناع می‌شود و اعضای جامعه از حالت رخوت به نشاط و بالتدگی نسبی دست می‌یابند. همه این‌ها پوسته دست بیرونی و آنچه ما می‌بینیم درباره مسئله حجاب است و برای درک واقعیت حجاب باید مقداری دقیق‌تر شویم.

ما باید قبول کنیم
«چهره شهر با زنان زیباتر می‌شود» زیرا زنان زیبایی‌هایی دارند که همه، اعم از مردان، آن را پذیرفته و قبول دارند.

را متفاوت از همه با لباس یک تروریست، عقب‌مانده و قشر کوچکی از جهان و نه شبیه همه به نمایش می‌گذارد. چهل

سال از انقلاب اسلامی کشورش که همراه با دموکراسی، تحریم، عزت نفس داخلی - و نه خارجی- بوده است گذشته و به این نتیجه رسیده که حجاب را نمی‌خواهد. نقش نهادهای اجتماعی مانند خانواده، نظام تعلیم و تربیت، حکومت و رسانه‌های جمعی هم در این باورهایش اصلاً بی‌تأثیر نبوده است. غالباً فلسفه‌هایی که برای پوشش ذکر شده است دلایلی‌ست

که مخالفین پوشش آن را مطرح کرده‌اند زیرا از آن‌ها نتیجه می‌گیریم حجاب امری غیرمنطقی و نامعقول است.

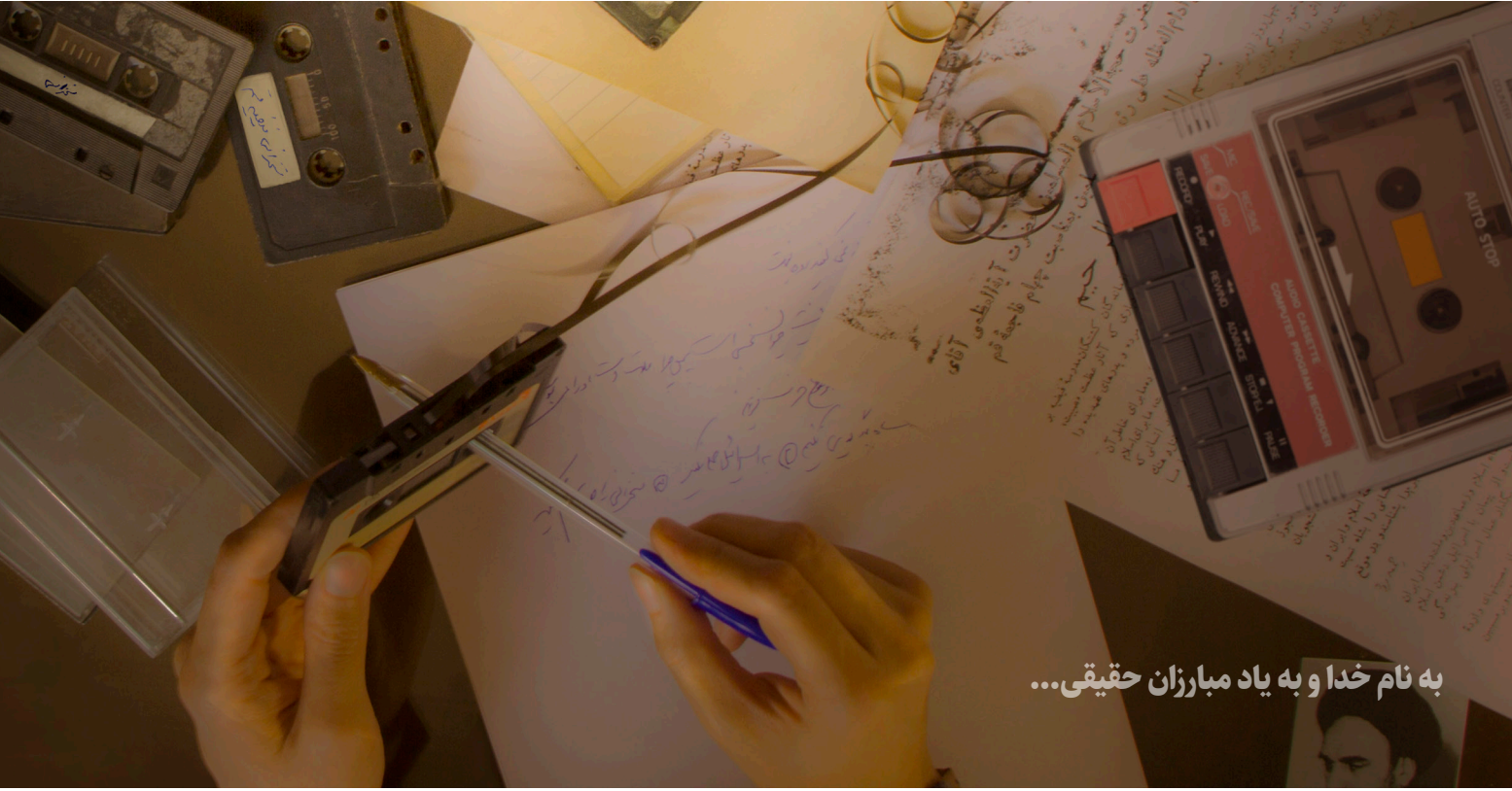


نخبگان و فعالین فرهنگی نیز تمام توان خود را صرف جامعه‌سازی می‌کنند حال آن‌که ساخت جامعه اسلامی بدون وجود دولت اسلامی، امکان‌پذیر نیست.

قسمت بعد: «ما و جامعه اسلامی»



چرا جامعه اسلامی مانند جوامع غربی حدود پوشش را به پایین‌ترین حالت خود تنزل نمی‌دهد و معتقد است نظریه‌ای آن‌چنان قوی و منطقی پشت آن قرار دارد؟ در این میان یک مفهوم ما را به پاسخ اصلی وصل می‌کند و از ظاهر مسئله به واقعیت آن می‌رساند و آن، «انسان‌شناسی از جنبه لذت‌یابی و لذت‌جویی» است. تا الان زیبایی و بهره‌برداری از آن برای ما اصل بود اما آنچه ما در عمل زیبا می‌پنداریم، نتیجه لذت بردن از آن امر در ذهن خودآگاه و ناخودآگاه ما است. پس برای بررسی دقیق‌تر این بار با مفهومی به نام لذت که زمینه‌ساز زیبا پنداشتن امور می‌باشد روبه‌رو هستیم؛ در روان‌شناسی مدرن و پست‌مدرن این مسئله پذیرفته‌شده است که انسان‌ها در بهره‌جویی از لذت‌ها کاملاً مشترک هستند اما در چگونگی حرکت در مسیر آن با هم تفاوت‌هایی دارد. افراد اگر با پول زیادی مواجه شوند نه‌تنها مستغنی نمی‌شوند بلکه بیش از قبل خواهان آن هستند و ذهن، تفاوت پول و سایر نیازهای انسان مدرن مثل لذت‌جویی از زیبایی‌های زنانه را تشخیص نمی‌دهد و درنهایت برای همه یک نسخه تجویز می‌کند و آن، پیشرفت در بهره‌برداری از آن لذت است. با توجه به این حقیقت در ادیان مختلف پوشش زن در محیط اجتماعی خواسته شده است زیرا لذت -هرچند در سطح کوچکی مثل تصور و قوه خیال- هم انسان را به هیجان و التهاب درمی‌آورد و تفکر منطقی‌ فارغ از هرگونه احساسات را مختل می‌سازد. این درحالی‌ست که ما در قوانین جوامع خواهان درک منطقی و درک احساسی که پشتوانه منطقی دارد هستیم زیرا کارآمدی این و ناکارآمدی آن برای ما اثبات شده است. عدم بهره‌برداری از لذت‌ها، خصوصاً ایجاد توقف اجباری در حد معینی از آن که تجویز غرب به ملت‌ش می‌باشد، سبب ایجاد بیماری‌های روانی می‌شود که رتبه کشورها در داشتن این بیماری در هشدتی از آن شفاف‌کننده سکانس پایانی خواسته ما مبنی برعدم حجاب است، سکانسی که در ایران نیز بخاطر فراتر رفتن از حدود حجاب و عاملی به اسم بی‌حجابی گریبان‌گیر ما شده است. پس منطقی‌ست با در نظر گرفتن تمام ابعاد مسئله و باوجود تمام تبلیغاتی که می‌خواهد بسیاری از ابعاد آن در پرده باقی بماند تصمیم بگیریم.



به نام خدا و به یاد مبارزان حقیقی...

درصورت تمایل به همکاری با هیأت تحریریه‌ی نشریه «میم»، درخواست خود را همراه با ذکر نام و نام خانوادگی، از طریق ارسال پیامک به شماره‌ی ۵۰۰۲۴۸۰۰۱ با ما درمیان بگذارید.

یادداشتی از سعید شفیعی؛

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

موضع تسامحاً غیرتمدنی آقای معاون وزیر

سپتامبر ۲۰۰۱ صدای مهیبی قلب منهتن را به لرزه درآورد و پروژه‌ای که کدهایش از چندسال قبل در رسانه‌ها منعکس شده‌بود، رسماًکلیدخورد. موقعیت‌استراتژیک‌افغانستان‌اشتهای ایالات‌متحده را باز کرده‌بود تا با فاجعه‌سازی و مشروعیت‌بخشی به تصرف کشوری در آن سوی دنیا، با ایران و چین هم‌سایه شود. مردمی که درگیر کشمکش‌های داخلی بین طالبان و دولت رسمی‌شان بودند و هرازگاهی با برادر ناتنی‌شان پاکستان دست‌به‌یقه می‌شدند، حالا در خیابان‌هایشان میزبان نفربرهای ناخواندهٔ آمریکایی بودند. ورود آمریکایی‌ها فرآیند مهاجرت اجباری افغان‌ها را تسریع بخشید و کجا برای آن‌ها بهتر از ایران؟ مشترکات تاریخی و فرهنگی، امنیت بالا، رونق بازار کار و البته آرمان‌های تمدنی و فراملّی، انقلاب اسلامی ایران را اتوپیای مهاجرتی افغان‌ها کرده‌بود. ایران در بیست‌وچند سالگی انقلاب فرصت درخشانی پیدا کرده‌بود تا گام‌های بلند تمدنی‌اش را با مهاجرین پرکار و تعامل‌پذیر افغان بردارد. تعریف یک سیستم و فرآیندِ پذیرنده برای همگام‌سازی آرمانی مهاجرین در راستای ایجاد جبههٔ تمدنی در منطقه، حلقهٔ مفقوده‌ای بود که دولت‌ها هیچ‌گاه فکری برای آن نکردند؛ انعکاس حضور مهاجرین افغان در نظام تقنینی کشور صرفاً با نگاه سلبی و رویکرد تهدیدی آشکار شد، ویتربینی از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها را در آیین نامه‌های کشور به وجود آورد و تمام فرصت‌های پیش‌رو نادیده‌گرفته‌شد؛ چون افغان‌ها چشم‌رنگی نبودند، کراوات نداشتند و لباس‌هاشان بلندتر از استانداردهای اروپایی-آمریکایی بود. باید اقرار کنیم که کاپیتولاسیون فکری هم‌چنان بر دستگاه تحلیلی مسؤولین حاکم است و همین سایه‌افکنی باعث می‌شود از فرصت‌های عظیم تمدنی چشم‌پوشی شود و آقای معاون‌وزیر (اگر نگوییم موضع ضدتمدنی) موضع غیرتمدنی درقبال مهاجرین افغان بگیرد

یادداشتی از زینب رضانی؛

دانشگاه صنعتی اصفهان

جستاری در باب سودمندی مطالعه؛

بررسی موردی خاص از مطالعه: کتابخوانی

(بخش اول)

بدون آن‌که بدانیم چگونه و بدون آن‌که کسی از ما درمورد تمایل و یا عدم تمایل‌مان سوال کرده باشد، به دنیا آمده‌ایم و قرار است برای مدتی نامعلوم در این دنیا زندگی کنیم. زندگی بر روی زمین (و احتمالاً بعد از این زندگی بر روی سایر سیارات) بالقوه با سختی‌ها و ناملایمات همراه است. اما قوانینی بر این جهان حاکم هستند که شناخت آن‌ها، طی این مسیر را برای ما شیرین‌تر و لذت‌بخش‌تر خواهد کرد. و واضح است که «برای شناختن هر چیز، لازم است مجموعه‌ای از اطلاعات مفید و به‌دردبخور را جمع‌آوری و جذب کرد تا با استفاده از آن نگرش را توسعه و دانش را تعمیق داده و نهایتاً به سمت هدفی که در ذهن داریم حرکت کنیم»

به‌همین خاطر اگر خواهان آن هستیم که بهتر زندگی کنیم و تجربهٔ عمیق‌تر، زندگی پرپار و لذت‌بخش‌تر و نهایتاً حس بهتری از بودن در دنیا داشته باشیم، لازم است یادگیری و مطالعه، جزء مواردی باشند که برایشان هزینه می‌دهیم و تلاش می‌کنیم.

مطالعه چیست؟
شاید بتوان گفت مجموعه‌ای از مهارت‌هایی است که در راستای آموختن و فراگرفتن به‌کار می‌روند. در حقیقت، مطالعه حاصل میل ما به دیدن و کشف جهان است. پس باوجود تعریف فوق، دیدن شبنم بر روی برگ گل در سحرگاه بیستمین روز بهار هم نوعی مطالعه محسوب می‌شود. اما در این مقاله قصد داریم به نوعی از مطالعه بپردازیم که از آن تحت عنوان «کتابخوانی» یاد می‌شود. (احتمالاً پس از شنیدن این کلمه یاد روضه‌هایی می‌افتیم که در آن از کم بودن سرائهٔ مطالعه در این مرز و پرگهر و بالا بودن آن در کشورهای آن‌سوی آب‌ها و ارتباط میزان مطالعه و میزان پیشرفت می‌گویند.)

چرا کتابخوانی کارمفیدی است؟
همانطور که می‌دانید

در چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی از جانب آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، بیانیه‌ای خطاب به مردم ایران و به‌ویژه جوانان صادر گردید. این بیانیه که به ترسیم «گام دوم انقلاب» پرداخته است، به‌سرعت مورد توجه مسئولان، نخبگان فکری و جوانان قرار گرفت و برای چند روزی در صدر اخبار آمد. با این همه، آنچه از ساعت‌های اوّل انتشار بیانیه در حاشیهٔ تحلیل‌ها مورد بحث و توجه بود، ترس از ابتلای بیانیه به وضع اسناد مهمّ پیشین، چون «سند چشم‌انداز بیست‌ساله» بود. تجربهٔ نامطلوب نادیده‌شدن بیانیه‌ها و اسناد قبلی، کام دلسوزان و فرهیختگان را تلخ کرده و مهم‌تر آن که ما را از رسیدن به اهداف آن بازداشته است. در ادامه راه‌هایی برای رسیدن به مطلوب بیانیهٔ گام دوم و روش‌های مصون‌سازی آن از آفت فراموشی شرح داده می‌شود.

۱[۱]. تنوریزه کردن: یکی از روش‌های پرداختِ بیانیه، نظریه‌سازی است بدان معنی که مفاهیم مورد اشاره در بیانیه به صورت نظریه استخراج شده، منتشر گردند. یکی از مشکلاتِ علمی در جوامع غیر غربی، نداشتن نظریه‌های بومی مبتنی بر نظام فرهنگی- اجتماعی آن جامعه است. نظریه‌ها پله‌های علم را تشکیل می‌دهند و بن‌مایهٔ عمل هستند. در مواجهه با بیانیهٔ گام دوم، آنچه می‌تواند ما را از کلی‌گویی، ابهام در سخن و عدم شفافیت برهاند، نظریه‌سازی بر پایهٔ سیاست‌های کلی مطرح شده در بیانیه است.

۲[۲]. ترجمهٔ عملیاتی: انتشار بیانیه گام دوم به تنهایی راهگشا نیست و حتی ممکن است در نظر عامهٔ مردم حرف‌هایی کلی، بی‌ثمر و بی‌هدف عنوان شود. زمانی اهمیّت بیانیه برای مردم ملموس و قابل فهم و درک

میم
حرف مشترک من و ما!

یادداشتی از فروغ آسایش؛ دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

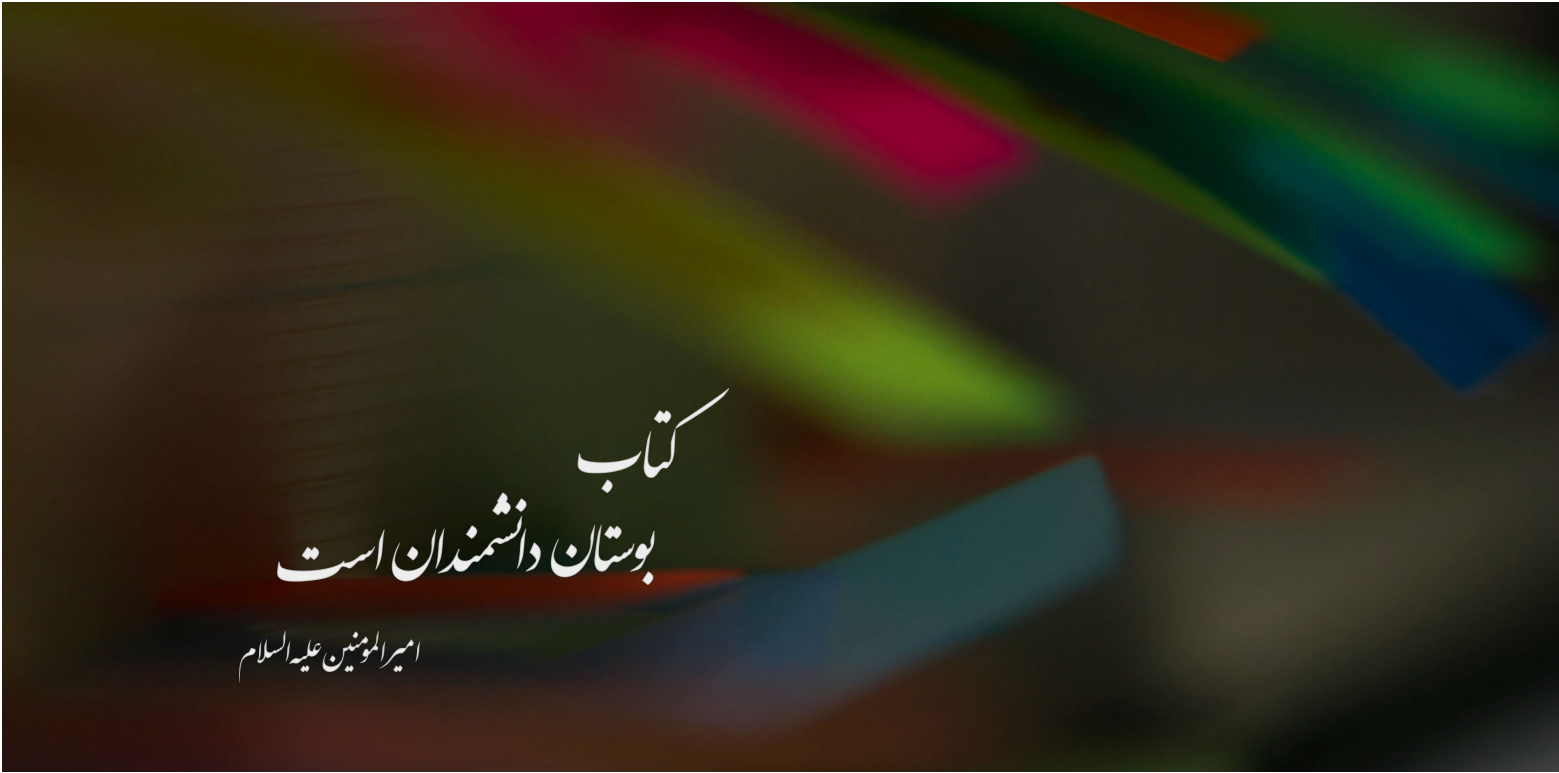
چاره‌اندیشی برای صدرنشینی بیانیهٔ گام دوم

است که منجر به ایجاد حرکت یا تغییر در روند تحركات قبلی مسئولان و جامعه بشود و لازمهٔ چنین حرکتی استنتاج‌های راهبردی و عملیاتی از متنِ بیانیهٔ گام دوم است؛ یعنی همان کاری که در مورد اسنادی چون سند چشم‌انداز بیست‌ساله انجام نشد. بیانیه گزاره‌های متعددی را در عرصه‌های مختلفی چون علم و پژوهش، سبک زندگی، عدالت و مبارزه با فساد و اقتصاد طرح کرده است که لازم است در جهت اعتبار بخشیدن به این مؤلفه‌ها، برای هریک برنامه‌ای پایه‌ریزی شده و در میدان عمل قرار گیرد.

۳[۳]. گفتمان‌سازی: در تجربهٔ چهل‌سالهٔ پس از انقلاب، به خوبی دریافته‌ایم که آنچه به میان افکار عمومی آمده است، ماندگاری بی‌نظیر و اثرگذاری بی‌بدیل داشته است. انتقال شعارهای انقلاب به عموم جامعه و سخن گفتن از آن به زبان مردم، راز ماندگاری انقلاب است. ازاین‌رو، ارائه‌ی بیانیه‌ی گام دوم با ادبیات عامهٔ جامعه و بیان آن برای مردم موضوعیت دارد. زنده نگاه داشتن بیانیه در گفتمان عمومی جامعه، موتور محرک پیگیری مؤلفه‌های آن و مطالبه‌گری از عاملان و مسئولان مرتبط است. آنچه نباید از یادها برود، این است که مخاطب اصلی بیانیه، مردم و به ویژه جوانان هستند؛ همانان که قرار است شانه را زیر بار مسئولیت بگذارند و گام دوم انقلاب را به پیش ببرند.

۴[۴]. امتدادِ رسانه‌ای: یکی از ابزار گفتمان‌سازی، رسانه است. رسانه می‌تواند گفتمانی را زنده کند یا بمیراند. اگر گفتمانی در بستر رسانه به جریان درآید، به احتمال کم‌تری با افول و فراموشی مواجه می‌شود. به همین سبب استفادهٔ صحیح و هوشمندانه از رسانه در جهت نشر

ماه‌نامه‌خبری-تحلیلی مجموعه‌آموزشی،پژوهشی وگفتمانی‌منویات
سال اول؛ پیش‌شماره ۱۲؛ خرداد ۱۳۹۸



کتاب بوستان دانشمندان است

امیرالمؤمنین علیه‌السلام

بهتر اندیشیدن: احتمالاً اگر کمی فکر کنید لحظاتی را به خاطر می‌آورید که در آن پس از کلی تلاش و عرق‌ریختن، از توضیح دادن مطلبی برای دیگری خسته شده‌اید و گفته‌اید هرچه حرف می‌زنم نمی‌توانم چیزی را که در دل دارم به درستی بیان کنم و گمان می‌کنم کسی مرا درک نمی‌کند. احتمالاً چیزی که درآن لحظه از آن غافل مانده‌اید، این بوده است که شاید برای بیان درونیاتتان ابزار کافی را در اختیار نداشته‌اید و این ماجرا درست شبیه وقتی است که برای استخراج نفت از دل زمین ابزار و ادوات لازم را در دست نداشته باشیم و نهایتاً نتوانیم از قدرتی که بالقوه در اختیارمان هست استفاده کنیم.

هرشخصی که مدتی مطالعه منظم را تجربه کرده باشد به این نکته معترف است که پس از مدت کوتاهی برای صحبت کردن کلمات بهتر و دقیق‌تری به ذهنش می‌رسیده است و مکالماتش جذاب‌تر و راهگشاتر از قبل بوده‌اند.

یادداشتی از مسعود پایمرد؛

دانشگاه فرهنگیان ایلام

مشاهیر بی شهرت

چند روز پیش، وقتی در کلاس «تفکر و سبک زندگی» هشتمی‌ها، به بخشی از درس رسیدیم که نام برخی از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته را به عنوان نمونه‌هایی از انسان‌های دارای اعتماد به نفس ذکر کرده بود، به ذهنم رسید از دانش‌آموزانم درباره آن‌ها توضیح بخواهم. نام‌ها چندان غریبه نبود: ابن سینا، امام خمینی، شهید دکتر چمران، شهید حسن طهرانی‌مقدم و...

اما پاسخی که دریافت کردم، بسیار دور از انتظار و ناامید کننده بود: جز یکی دو شخصیت که یکی دو دانش‌آموز در مورد آن‌ها اطلاعات مختصری داشتند، سایرین چیزی نمی‌دانستند.

از سر کنجکاوری، همین کار را در کلاس تفکر در مدرسه‌ی دیگری هم انجام دادم. و این بار نیز، همان نتیجه‌ی پیشین تکرار شد. یا کسی چیزی نمی‌دانست یا آن‌ها که می‌دانستند اطلاعات‌شان محدود به مطالب بسیار کلی بود؛ مثل این که فلائی گویا پزشک بوده یا بهمانی به گمانم فرماندهی جنگ.

این یعنی شخصیت‌هایی که روزی بزرگ‌ترین خدمات را به ما کرده‌اند حالا غریبانه در پستوی تاریخ فراموش شده‌اند و در بهترین حالت، جز نام‌شان چیزی از آن‌ها در خاطر فرزندانمان باقی نمانده است.

به گمانم، بزرگ‌ترین عامل این اتفاق، توسعه‌ی فراوان منابع اطلاعاتی در سالیان اخیر است. اگر روزی تنها راه کسب دانش، مطالعه‌ی کتاب بود، امروز دیگر چنین نیست و از راه‌های زیاد دیگری می‌توان به اطلاعات رسید. تلویزیون، اینترنت، ماهواره، صفحات مجازی و... همگی به صورت روزانه در حال بمباران اطلاعاتی مخاطبان‌شان هستند.

در حقیقت، همین‌ها هم قهرمانان امروز را ساخته‌اند. قهرمانانی که به احتمال زیاد از قهرمانان دیروز، شناخته‌شده‌تر و محبوب‌ترند. گمان می‌کنم به ندرت پیش بیاید که بین این بچه‌ها، کسی مثلاً «مسی» را شناسد یا از «گلزار» چیزی نداند. یا حتی با این که سنش قد نمی‌دهد، نشنیده باشد «پله» کیست؟ این‌ها، برای نسل جدید، مشاهیر این روزها به شمار می‌آیند. مفاخری هم البته داریم که هرچند نه به این شهرت، ولی ناشناخته هم نیستند و بیش از پیش‌بینان‌شان دیده شده‌اند. امثال «دکتر سمیعی» و «مریم میرزاخانی» از همین گروه‌اند. اما آن‌چه پرواضح است تغییر ارزش‌هاست. شناخته‌شده‌تر بودن گلزار در برابر دکتر سمیعی، شاید به این معنی است که «سرگرم کردن» برای نسل جدیدمان، ارزشمندتر از «آگاه کردن» است.

قصد مقایسه ندارم. فقط می‌خواهم بگویم این که دانش‌آموز سال هشتم ما، هنوز نمی‌داند ابن سینا کیست، یا مثلاً خواجه نصیرالدین طوسی که بوده، یا رازی و خوارزمی و بیرونی چه خدماتی داشته‌اند، جای تاسف دارد. ملتی که بزرگان و اساطیر خود را شناسد و بدین واسطه، غروری کسب نکند، طبیعی است که به سرعت مجذوب مظاهر و اساطیر تمدن دیگری شود و هویت فرهنگی خود را به دست فراموشی بسپارد. وقتی داشته‌هایش را به او نشان نداده‌ایم، طبیعی

است که الگویی را از میان داشته‌های دیگران برگزیند و به آن‌ها افتخار کند و بعد، وقتی با همین خودکم‌بینی‌اش، وارد اجتماع می‌شود دیگران را به واسطه‌ی افتخار کردن بر بزرگان ایرانی یا مسلمان، بکوبد و تحقیر کند. در آن صورت، این بزرگ‌ترین مظهر غرب‌زدگی نخواهد بود؟

اما، از حق که نگذریم، برخی از مفاخرمان، در طول

هم اثر رسانه است! واگر نبود، کسی نه مختار را می‌شناخت و نه از یوسف چیزی می‌دانست. دیگران را هم اگر نمی‌شناسند و یا از آن‌ها چیزی نمی‌دانند، برای این است که آن‌ها را در ظرف رسانه نریخته‌ایم. نه از رازی فیلمی ساخته‌ایم، نه از طهرانی مقدم سریالی تهیه کرده‌ایم و نه از همان ابن سینای بنده خدا بعد از سی و اندی سال اثر بهتری ارائه کرده‌ایم.



در صورت تمایل به همکاری با هیأت تحریریه‌ی نشریه «میم»، درخواست خود را همراه با ذکر نام و نام خانوادگی، از طریق ارسال پیامک به شماره‌ی ۵۰۰۲۴۸۰۰۱ با ما در میان بگذارید.

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه؛

انتقاد از ولی فقیه

گفتار ولی فقیه به سه بخش تقسیم می‌شود: [۱]. فتوا؛ [۲]. توصیه‌ها و بیانات ارشادی؛ [۳]. احکام حکومتی که یا مستقیماً خود صادر می‌کند و یا از مجاری قانونی (مانند مجلس شورای اسلامی) صادر می‌شود.

بخش اول، برای مقلدان او لازم‌الاجرا است و انتقاد در آن به معنای مناظره علمی و فقهی است که جایز و مطلوب می‌باشد؛ ولی نیازمند قدرت اجتهاد است. بخش دوم، الزامی نمی‌آورد و نقش عمده آن آگاهی بخشی، روشنگری و هدایت است. انتقاد، بحث و تحقیق درباره این امور جایز است و حتی اگر شخصی، نظری مخالف با رهبری داشت، اطاعت از این گونه توصیه‌های رهبری تا جایی که با قانونی مخالفت نکند الزامی نیست. در این موارد او می‌تواند؛ بلکه بنا به اهمیت موضوع باید آرای خود را به رهبر برساند و وظیفه مشاوره را در این باب انجام دهد. البته آرای خود را در سطح جامعه، نباید به گونه‌ای تبلیغ کند که باعث بی‌حرمتی و تضعیف رهبر و حکومت اسلامی شود. بخش سوم، اطاعت از دستورات و احکام ولایی یا قوانین مدون جمهوری اسلامی که به یک اعتبار احکام ولی فقیه‌اند برای همگان (حتی غیر مقلدان او) لازم و واجب است و تخلف از آن به هیچ وجه جایز نیست (حتی اگر شخصی آن قانون را خلاف مصلحت بداند)؛ زیرا روشن است در هر قانون و کشوری، اگر رعایت قوانین و دستورات الزامی، تابع سلیقه‌های متنوع شود، آن کشور با هرج و مرج مواجه شده و قوانین آن ضمانت اجرایی نخواهد داشت. البته در همین موارد هم به ویژه قبل از صدور حکم تحقیق و بحث علمی، می‌تواند به عنوان مشورت برای حکومت اسلامی ارائه شود. در نهایت مرجع تصمیم‌گیری، شخص ولی فقیه یا مجاری قانونی منصوب از ناحیه او است. براساس اعتقادات دینی ما، فقط پیامبران، حضرت زهرا و ائمه اطهار (ع) معصوم‌اند. از این‌رو هیچ‌کس ادعا نمی‌کند که احتمال اشتباهی در رفتار و نظرات ولی فقیه نیست. احتمال خطا و اشتباه در مورد ولی فقیه وجود دارد و ممکن است دیگران به خطای او پی ببرند. از این‌رو می‌توان از ولی فقیه انتقاد کرد. در نگرش دینی نه تنها انتقاد از ولی فقیه با شرایط آن جایز است؛ بلکه یکی از حقوق رهبر بر مردم، لزوم دلسوزی و خیرخواهی برای او است. این حق تحت عنوان «النصیحه لائمه المسلمین» و امر به معروف و نهی از منکر تبیین شده است. نصیحت به معنای خیرخواهی برای رهبران اسلامی است که یکی از ساز و کارهای تحقق آن اندر زده‌ی است. بنابراین نه تنها انتقاد از ولی فقیه جایز است؛ بلکه در جای خود واجب شرعی است و منافع و مصالح شخصی یا گروهی نباید مانع انجام دادن آن شود. در پایان گفتنی است که انتقاد کننده، نباید انتظار داشته باشد که ولی فقیه یا دیگر مسؤولان، به هر انتقادی، جامه عمل بپوشند. چه بسا مسؤولان دلایل محکمی برای افعال خود دارند که انتقاد کننده از آنها بی‌خبر است و حتی گاهی ممکن است نظرات و انتقادهای گوناگون و متناقضی ارائه شود که امکان عمل به همه آنها برای مسؤولان ممکن نباشد. آنچه وظیفه حکومت اسلامی است و از مسؤولان انتظار می‌رود، گوش دادن به انتقادات و فراهم آوردن بستری است که مردم بتوانند دیدگاه‌های خود را از عملکرد مسؤولان و... از طریق مجاری و ساز و کارهای معین بدون هیچ‌نگرانی و ترس به سمع و نظر آنان برسانند و آنان با انتقادهای مردم، برخوردی منطقی داشته باشند؛ یعنی، در صورت درست بودن بپذیرند و یا مردم را توجیه کنند.

پیش رو

– انتشار ویژه‌نامه‌ی نشریه «میم»

– برگزاری اولین جلسه‌ی شورای اقتصادی

۶ تیر

۱۵

۱۳

۹ خرداد

– برگزاری دومین مجمع عمومی منویات در سال ۹۸

– برگزاری جلسه جمع‌بندی بخش توحید از کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»